



بسم الله الرحمن الرحيم  
جلسه تمام است و کامل هم هست؛ اصلاً جلسه برای همین بود که شماها این جا بیایید و شما بگویید. البته من هم حرفهای زیادی دارم؛ هم خطاب به شما که نخبگان ما هستید، هم خطاب به همه ی اهل علم - دانشجو، استاد، دانشگاهی و حوزه یی - و هم خطاب به همه ی جوانهای کشور؛ منتها چون وقت نیست، من عجله یی ندارم که آنچه را که در ذهنم هست، حتماً در این جلسه بگویم. بعداً وقت خواهد بود و ما ان شاءالله جلسات دیگری با جوانان و دانشجویان و نخبگان دیگری خواهیم داشت و من آن جا هرچه لازم بدانم، عرض خواهم کرد؛ لیکن چند جمله ی کوتاه را بگویم.

اولاً علت این که ما هر سال چنین جلسه یی را تشکیل می دهیم، این است که این جلسه نماد «ما می توانیم» است. توجه داشته باشید که ده ها سال در این کشور، حساب شده و به نشان، کار کردند برای این که ثابت کنند ایرانی نمی تواند. ما می خواهیم نشان دهیم که ایرانی می تواند. انقلاب یکی از بزرگترین همت هایش به این گماشته شده بود که هم به دنیا بگوید، هم به خود ملت ایران بگوید که ما می توانیم. و من به شما بگویم؛ انقلاب در این زمینه موفق شده است. خودباوری در کشور ما بیدار شده است.

مواردی را که بعضی از شما عزیزان از پیشرفت های علمی ما گفتید، بخش کوچکی از پیشرفت های علمی و تحقیقاتی و فناوری ما در کشور است؛ چیزهای بیشتری با دامنه های گسترده تر بتدریج بروز خواهد کرد و الان در جریان است و وجود دارد. این جلسه نماد «ما می توانیم» است.

نخبگان کشور فقط شماها نیستید؛ اما شما گلچینی از این دسته ی باارزش کشور ما و جوانهای ما هستید. این به همه نشان می دهد که در میان جوانان ما افرادی هستند که می توانند در مسابقات جهانی و در عرصه های وسیع مسابقاتی در داخل کشور رتبه های برجسته یی را بیاورند و اینها استعدادهای درخشان هستند و از این استعدادهای درخشان ما در کشور زیاد داریم و با تکیه یی به اینها ملت ایران و کشور عزیز ما خودش را خواهد ساخت و پیش خواهد برد و دره ی ژرفی را که بین ما و قله ی علم در دنیا به وجود آوردند، بتدریج پُر خواهد کرد. نکته ی دوم این است که من با کار نمایشی و - به قول شماها - ویتروینی به هیچ وجه موافق نیستم. البته نمایش شأنی دارد؛ ویتروین جایی دارد؛ نمی شود اهمیت و ارزش نمایش و ویتروین و نمایشگاه را انکار کرد؛ اما منحصر شدن در این، خسران دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت.

ما دنبال کاریم. حرفهایی که شما امروز بر زبان آوردید - مسأله ی اهمیت دادن به علم، اهمیت دادن به تحقیق، اهمیت دادن به فناوری، پرداختن به نخبگان؛ این که ما وقتی يك نخبه را دلگرم کردیم، هر جای دنیا هم برود، متعلق به کشور خواهد بود، و مطالب فراوانی که شما گفتید و من خلاصه یی از آن را یادداشت کردم - حرفهای من است؛ اینها حرفهایی است که از ده سال پیش، دوازده سال پیش من دارم می گویم. من امروز نگاه می کنم، می بینم شما بدون این که بدانید یا یادتان باشد که این حرفها يك روز از سوی مسؤولان نظام گفته شده، خودتان دارید این حرفها را می زنید و حرف دل شماست؛ این پیشرفت است؛ این همان چیزی است که ما می خواستیم و به کوری چشم دشمنانی که نمی خواستند، شده است.

امروز جوانهای ما میل به تحقیق دارند. گله یی شما به عنوان يك جوان این است که این جا می آید و می گوید بودجه ی تحقیقاتی ما 7/0 درصد است - که البته ظاهراً بیشتر است؛ آماری که برادرمان گفتند، این قدر نیست؛ حدود همان 5/1 درصدی است که گفتند؛ البته الان دقیق یادم نیست، اما از آن مقداری که گفته شده، بیشتر است؛ هرچند اینها باید عملیاتی و داده شود - یا شما بیایید پیش من شکوه کنید از این که بودجه ی تحقیقات نمی دهند یا پای صبر تحقیقات نمی نشینند. نهایت آرزوی ما این بوده که این احساس در شما به وجود بیاید و شما دنبالش باشید.



البته ما وظیفه داریم قدم بعدی را برداریم. قدم بعدی این است که این کارها یکایک عملیاتی و اجرایی شود. این، قدم بعدی زمانی نیست؛ قدم بعدی رتبی است؛ یعنی بعد از آن که این فکر مطرح می شود، بلافاصله باید اجرایی هم بشود.

البته من اینها را یادداشت کردم و از دفتر و دوستانی که این جا حضور دارند، می خواهم آنچه را که شماها گفتید، استحصال و فهرست کنند. آقای وزیر علوم و بعضی از مسؤولان دیگر هم این جا هستند؛ به اطلاع دیگران هم که دست اندرکار و مسؤول هستند، خواهد رسید و ان شاءالله اینها دنبال خواهد شد.

نکته ی سوم در مورد بنیاد نخبگان است که من سال گذشته در همین جلسه آن را مطرح کردم؛ این که ما بنیادی برای بررسی و حل مشکلاتی که شما گفتید، به وجود بیاوریم. اساسنامه ی بنیاد تصویب شد و آن را پیش ما آوردند. البته به نظر ما اساسنامه نواقصی دارد که حتماً باید برطرف شود و ان شاءالله برطرف خواهد شد. اهمتامی که خوشبختانه من می بینم امروز مسؤولان دولتی، از شخص رئیس جمهور گرفته تا دیگران، به عملیاتی کردن و اجرایی کردن طرحها و برنامه ها دارند، این امید را در من به وجود می آورد که ان شاءالله همه ی دغدغه هایی که در زمینه ی پیگیری کار نخبگان در ذهن ما هست، از بین برود.

البته این کار، تدریجی خواهد بود. همان طور که شما می گوید یک کار تحقیقاتی چهار ساله اگر چهار سال و نیمه شد، نباید بگویند چرا؛ این گونه کارها هم کارهایی است که با مانع و مشکلات گوناگونی مواجه است. آنچه ما وظیفه داریم، این است که این را دنبال کنیم؛ رها نکنیم تا ان شاءالله تحقق پیدا کند. ممکن است قدری دیر یا زود بشود، لیکن خواهد شد. این، نیت مسؤولان کشور است. این، همت ملی است که امروز در کشور ما وجود دارد. من مکرر گفتم، الان هم دارم به شما جوانهای عزیز می گویم؛ سند چشم انداز یک انشای مدرسه یی نبوده که کسی بنشیند بنویسد؛ یک آرزوی محض و آرزوی خام هم نبوده؛ اینها چیزهایی است که با ملاحظه و محاسبه ی همه ی جهات روی کاغذ آمده و معنایش این است که این شدنی است. این که ما گفتیم در ظرف بیست سال باید رتبه ی بالا را در منطقه، در علم و در اقتصاد داشته باشیم، با محاسبه ی همه ی جوانب قضیه نوشته و تنظیم شده؛ و این شدنی است.

البته همه ی کارهای شدنی، رفتن، دنبال کردن، همت گماشتن و انجام دادن می خواهد. شکی نیست که اگر بنشینیم تماشا کنیم، هیچ کاری نخواهد شد. با دنبال گیری، کار شدنی است. ان شاءالله پیگیری خواهیم کرد و به توفیق الهی و به حول و قوه ی الهی خواهد شد. البته ما آن روزها را علی القاعده نمی بینیم، اما شماها می بینید؛ مال شماهاست، آینده ی شماست.

من در یکی از جلسات دانشجوها گفتم شما فکر این را بکنید که پنجاه سال دیگر کشور شما باید جایی باشد که هر کس به یک پیشرفت علمی احتیاج دارد، ناگزیر باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ یعنی کشور شما آن قدر اثر علمی و تحقیقاتی تولید کند که همین طور که امروز زبان انگلیسی عمدتاً به برکت پیشرفت فناوری امریکا و بعضی از کشورهای دیگر در دنیا رایج شده، شما بتوانید زبان فارسی را به تبع رشد علمی تان در دنیا رایج کنید. شما باید بتوانید در قله قرار بگیرید؛ این شدنی است و اگر همت بگماریم، قطعی است.

البته عزیزان من! پسرهای جوان! دخترهای جوان! بدانید ایمان همراه با عمل صالح مهمترین پشتوانه برای پیشرفت در این میدان است. ایمان پاک، روشن، شفاف، مستدل و منطقی - که مواد آن خوشبختانه در معارف اسلامی فراوان است - همراه با عمل می تواند به شما کمک کند. صرف ایمان کار را پیش نمی برد. ایمانی که به دنبال خودش عمل داشته باشد، پایبندی داشته باشد، تقید داشته باشد، لابلایگری و ولنگاری از آن دور باشد، می تواند هم به دنیای شما کمک کند، هم به آینده ی کشورتان کمک کند. به این بپردازید؛ کما این که من در اظهارات شماها هم دیدم. جلسه ی بسیار خوبی بود. این دو ساعتی که شما برای ما صحبت کردید، برای من مغتنم بود و من خوشحالم که حرفهای شما را شنیدم. البته حرف زدن شما فواید دیگری هم دارد؛ فقط این نمادی که من گفتم، نیست. این هم که جوان ایرانی این همت را بکنند که بیاید در یک تربیون ملی - این جا تربیون ملی است؛ هرچه شما می گوید، همه ی ملت ایران آن را می شنوند - یافته های خودش را بیان کند و این اعتماد به نفس را داشته باشد، یکی از



سرمایه های بزرگی است که برای کشورمان لازم داریم. من از این اعتمادبه نفس ها خیلی خوشم می آید. دوستان گفتند که این حرفها نباید این جا گفته می شد ؛ نه، هیچ اشکالی ندارد. عمده این است که شما بیایید این جا بایستید و آنچه را که به نظرتان می رسد، بگویید ؛ این برای من مهم است. ممکن است حرفی که شما می زنید، خیلی پخته هم نباشد ؛ پیشنهادی که شما می کنید، خیلی هم نو نباشد ؛ ایرادی ندارد. آنچه برای ما مهم است، این است که شما با اعتمادبه نفس بیایید این جا بایستید - دخترتان، پسران - و حرفتان را با قدرت و با اتکاءبه نفس بزنید و این حرف در سطح کشور پخش شود ؛ این برای ما ارزش دارد. ان شاءالله موفق باشید.